

## جایگاه آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی در بین علمای اراک و قم و نقش وی در توسعه حوزه های علمیه

رضا تاج آبادی<sup>۱</sup>

چکیده

هدف از ارائه این پژوهش، آشنایی با زندگی پر افتخار آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، موسس حوزه علمیه قم است. این پژوهش به صورت مروری و با روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. حضرت آیت الله شیخ عبدالکریم حائری از علما و روحانیون برجسته و ممتازی هستند که در تاریخ معاصر ایران، تأسیس حوزه علمیه قم و حتی تاریخ تشیع، نقشی به سزا و در خور توجه داشته است. این عالم بزرگ شیعه، ۱۶ سال از زندگی پر برکت خویش را در شهرستان اراک سپری کرده است. آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری مهرجردی، از تبار عالمان شیعه است که حوزه علمیه قم میراث جاودان اوست. ایشان در قبال اساتید فقه و اصول چون مرحوم شیخ انصاری و آخوند خراسانی دارای مبنای متقن و مستقل محکمی است که می‌توان او را در ردیف نوابغ و فحول علمی اسلام آورد و گذشته از شخصیت علمی در تقوا و زهد و قدس و ورع و ارتباط و توسل به خاندان وحی و رسالت و خصوصاً اعلی حضرت بقیه الله، نادره زمان بوده و در قرون اخیر کمتر کسی به رتبه اش رسیده است.

واژگان کلیدی: آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، اراک، قم، حوزه علمیه قم، علمای شیعه.

<sup>۱</sup> - کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان مرکزی؛ پست الکترونیکی: [tajabadireza@yahoo.com](mailto:tajabadireza@yahoo.com)

## مقدمه

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی از شخصیت های تأثیرگذار و قابل توجهی است که رفتار ایشان در همه ی زمینه ها و به خصوص در حوزه ی سیاست همواره منشأ بحث و تضارب آرا بوده است. ایشان باتوجه به شرایط و الزامات و اقتضات، رویه ای در امر سیاست داشته اند که پی بردن به آن موجب پویایی فقه سیاسی شیعه خواهد شد و افق های تازه ای از رفتارسیاسی، نظریه ی حکومت داری و تعامل و تأثیرگذاری در این عرصه را منقح خواهد ساخت. ( توکلی محمدی و مطهری فرد، ۱۳۹۴ : ص ۱۱۶).

آیت الله العظمی حائری یزدی، از تبار عالمان شیعه است که حوزه علمیه قم میراث جاودان اوست. شاید بهترین تعبیری که می توان در وصف ایشان داشت، نشأت گرفتن تفکر اسلامی در ایران به همت آن بزرگوار است. اقدام ایشان در جهت تأسیس نهاد علم دینی، در ایامی که استبداد رضاخانی بیداد می کرد، نشان از هوش و ذکاوت بی بدیل وی دارد که به جای درگیری با قدرت حاکم، زمینه ظهور بزرگانی را فراهم نمود که در ادامه مسیر، هر کدام منشأ تحول بودند. در این میان تربیت و آموزش بزرگانی چون حضرت امام خمینی (ره) قابل توجه است که این خود می تواند الگویی در خور در عرصه فرهنگی نظام اسلامی باشد. ایشان از اصحاب و ارادتمندان آخوند ملا فتحعلی بود. قصدش نیز آن بود که در مجلس میرزای مجدد، حاج شیخ عبدالکریم را مورد خطاب قرار داد و گفت « تویی که به زودی بیرق اسلام را به دوش می کشی و حوزه ی علمیه ی قم را برافراشته می سازی » ( نعیمی، ۱۳۸۵ : ص ۱۷۱).

آیت الله حائری تلاش فراوانی برای تمرکز دادن حوزه های علمیه و سازمان دادن آن انجام دادند و چه بسا، منش غیر سیاسی وی، حوزه را در مقابل سخت گیریهای حکومت در دوران رضا شاه، کمتر آسیب پذیر می ساخت. تاریخ کمبریج تأسیس حوزه ی علمیه ی قم را در تقابل با سیاستهای رضا شاه توصیف می کند و آنرا به صورت مهمترین واکنش علما به سیاستهای وی گزارش می نماید. بدین بیان، مهمترین واکنش علما در مقابل سیاستهای رضاخان، نوسازی و توسعه ی نهاد آموزش مذهبی (حوزه) در قم به دست شیخ عبدالکریم حائری بود هر چند در آغاز چنین اهمیتی برای این اقدام ملحوظ نبود. ( شیرخانی و زارع، ۱۳۸۴ : ص ۳۴).

در آن دوران وضعیت سیاسی و حکومتی کشور بسیار اسف بار بود. همچنین حکومت رضاخان با دین و روحانیت به شدت مخالف بود. در چنین شرایطی اگر شخصیتی مثل آیت الله حائری پرچم حوزه را بر نمی افراشت و وظیفه خطیر هدایت و سامان بخشیدن به حوزه را به عهده نمی گرفت، آن ناچیز حیات خود را نیز از دست می داد و از آن چیزی باقی نمی ماند. حضرت امام حضور نیافتن آیت الله حائری را در آن دوره در قم، حتی برابر با از میان رفتن اسم و رسم مسلمانی دانسته اند. حاج شیخ، موسس حوزه قم می باشند نه از آنرو که آن را پایه گذاری کردند بلکه به این دلیل که بی حضور ایشان از این نظام علمی و فرهنگی شیعی با تمام قدمت طولانی اش، اثری باقی نمی ماند (بلکه آیین توحیدی در این سرزمین رخت بر می بست). مسلماً حفظ یک شیء دست کم به اندازه ایجاد آن شیء ارزش و اهمیت دارد (زهره کاشانی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۶).

آیت الله حائری از نظر علمی از نوابغ و نوادر زمان بود و هم ردیف اساتیدی همچون آخوند خراسانی و شیخ انصاری به شمار می رفت، که چنین شخصیت‌های بزرگواری را عالم تشیع کمتر به خود دیده است (یوسفی، ۱۳۸۸: ص ۶۴). ایشان گذشته از شخصیت علمی، در تقوی و زهد و ورع از نوادر زمان بود. ایشان ملجأ، پناهگاه و حامی طلاب بود.

تأسیس حوزه علمیه قم از نقطه نظر سیاسی - اجتماعی در تاریخ معاصر ایران حائز اهمیت فراوانی است. این مرد بزرگ، با تدبیر حکیمانه و بردباری عظیمی که شایسته نایب لایق و مقتدر امام عصر (عج) است، حوزه را حفظ کرد تا اینکه حوزه علمیه رشد کرد و جمعیت آن از هزار نفر آن روز، امروز تقریباً به سی هزار نفر می رسد و در آغوش این مرکز بزرگ علمی، رجال بزرگ فقهی، ادبی، فلسفی و مفسرین، محدثین و متکلمین تربیت و هریک مشعل نورانی گردیدند که چهره اسلام را متجلی ساختند و علوم اهل بیت عصمت (ع) را به سراسر دنیا رساندند و به اسلام قدرت و قوت بخشیدند و مهمتر از همه اینکه این شجره طیبه که به بار نشست از میان آنها به موازات طلوع چهره های درخشان فقهی و علمی، چهره درخشنده ابر مردی فقیه، با صلابت ایمان، شجاعت و شهامت فوق العاده ای نیز ظاهر شد که ریشه رژیم ستم شاهی دوهزار و پانصد ساله را خشکانید و به جای آن حکومت اسلامی که منتهای آرزوی علمای بزرگ قرون و اعصار بود را برقرار کرد. امروز تاریخ در برابر عمق و

عظمت فکر آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، سر تعظیم فرود می آورد و صبر و حلم او را شایسته هزاران تکریم و تمجید می داند و کاملاً درک می کند که آن مرد بزرگ چه نظر صائبی در حفظ این شجره طیبه داشته است (نوری همدانی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۳۲۲).

## بیان مساله

حضرت آیت الله شیخ عبدالکریم حائری از علما و روحانیون برجسته و ممتازی هستند که در تاریخ معاصر ایران، تأسیس حوزه علمیه قم و حتی تاریخ تشیع، نقشی به سزا و در خور توجه داشته است. این عالم بزرگ شیعه، ۱۶ سال از زندگی پر برکت خویش را در شهرستان اراک سپری کرده است. (آقابابا، ۱۳۷۸: ص ۲۳۹). آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری مهرجردی، از تبار عالمان شیعه است که حوزه علمیه قم میراث جاودان اوست. شاید بهترین تعبیری که می توان در وصف ایشان داشت نشأت گرفتن تفکر اسلامی در ایران به همت آن بزرگوار است اقدام مهم و تاثیر گذار ایشان در ایامی که استبداد و ظلم رضاخانی بیداد می کرد در جهت تأسیس نهاد علم دینی، نشان از هوش و ذکاوت بی بدیل ایشان دارد که به جای درگیری با قدرت حاکم زمینه ظهور بزرگانی را فراهم نمود که در ادامه مسیر، هر کدام منشأ تحول بودند در این میان تربیت و آموزش بزرگانی چون حضرت امام خمینی (ره) قابل توجه است که این خود می تواند الگویی در خور در عرصه فرهنگی نظام اسلامی باشد. ایشان در قبال اساتید فقه و اصول چون مرحوم شیخ انصاری و آخوند خراسانی دارای مبنای متقن و مستقل محکمی است که می توان او را در ردیف نوابغ و فحول علمی اسلام آورد و گذشته از شخصیت علمی در تقوا و زهد و قدس و ورع و ارتباط و توسل به خاندان وحی و رسالت و خصوصاً اعلی حضرت بقیه الله، نادره زمان بوده و در این قرون اخیر کمتر کسی به رتبه اش رسیده است.

با توجه دو مرتبه حضور طولانی مدت ایشان در شهر اراک و معاشرت و مصاحبت روحانیون و علمای دیگر این سامان با ایشان، و همچنین تلاشهای خستگی ناپذیر ایشان در توسعه حوزه علمیه قم، در این مقاله بر آن هستیم تا فعالیتها و خدمات ایشان را بررسی نماییم.

## هدف و ضرورت انجام تحقیق

هدف از ارائه این مقاله، بررسی تلاشهای و زحمات این عالم ربانی در تأسیس و توسعه حوزه علمیه و تربیت شاگردان و تاثیرات حضور ایشان در شهر اراک و قم، می باشد. تحقیق و مطالعه در مورد اندیشه و

سیره‌ی علمای تاثیر گذار همچون شیخ عبدالکریم حائری، دارای اهمیت و ارزش فراوانی برای نسل جوان انقلابی است.

مطالعه‌ی اندیشه و زحمات شیخ از چندین جهت اهمیت دارد: اول اینکه ایشان، مؤسس حوزه‌های علمیه‌ای بودند که مبدأ تمامی تحولات سیاسی اجتماعی واقع شده است. دوم اینکه شرایط پیچیده‌ای بر جامعه‌ی دوران ایشان حاکم بود که فهم منطق عکس العمل‌های شیخ می‌تواند مفید باشد.

### پیشینه‌ی تحقیق

آقابابا (۱۳۷۸) در مقاله‌ای اظهار داشته است که حضرت آیت الله شیخ عبدالکریم حائری از شخصیت‌های برجسته و ممتازی بوده است که در تاریخ معاصر ایران، تأسیس حوزه علمیه قم و حتی تاریخ تشیع، نقشی به سزا و درخور توجه داشته است. این عالم جلیل القدر، ۱۶ سال از زندگی پربرکت خود را (۱۳۱۶-۱۳۳۴ و ۱۳۴۰-۱۳۳۲ قمری) در شهر اراک سپری کرده است.

مددی (۱۳۸۰) در گفتگو و مصاحبه‌ای با استاد عبدالحسین حائری، بیان کرده است که ایشان، به توصیف شخصیت علمی و اجتماعی پدر بزرگشان، مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و بیان نکته‌های ناگفته مهمی در باره آن مرجع عالی قدر پرداختند.

محمدی (۱۳۸۰) در پایان نامه خود اظهار کرده است که در این تحقیق سعی شده تا به این سؤال پاسخ داده شود که آیه‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران چه نقشی داشته است؟ پژوهش حاضر بر این فرضیه مبتنی می‌باشد که آیه‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری با احیای حوزه علمیه قم و تربیت شاگردانی مجتهد، نقش اساسی در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران داشته است. آیه‌الله حائری با تأسیس حوزه علمیه قم توانست کار فرهنگی عمیقی را برای تقویت دین اسلام و مذهب تشیع انجام دهد. ایشان به مدت ۱۵ سال در دوره رضاخان، حوزه علمیه قم را با تحمل مصائب و مشکلات فراوان اداره کرد. حاج شیخ در مسائل اجتماعی نیز بسیار فعال بود و آثار عمرانی و اجتماعی فراوانی را از خود به یادگار گذاشت. ایشان در برخورد با رضا شاه بسیار محتاط و دوراندیش بود یعنی هیچگاه بصورت خشونت‌آمیز به مخالفت با او بر نمی‌خواست. زیرا نگران این مسأله بود که

بهانه به دست رضا شاه، جهت تخریب حوزه علمیه قم داده شود. حاج شیخ در سیاست خود موفق بود، زیرا آسیب پذیری حوزه زیاد بود و در مقابل، رضا شاه از هیچ اقدامی در از بین بردن مخالفانش کوتاهی نمی‌کرد. آیه‌الله حائری با صبر، بردباری، کفایت و درایت کار فرهنگی خویش را انجام داد و شاگردانی مجتهد تربیت کرد که توانستند در تحولات سیاسی- اجتماعی ایران، نقش متمیزی را ایفاء نمایند که از جمله آنها آیات عظام، صدر، خوانساری، حجت، گلپایگانی، اراکی و بویژه امام خمینی (ره) بود که توانست رهبری انقلاب اسلامی ایران را تا پیروزی نهایی عهده‌دار شود. در جریان انقلاب اسلامی، حوزه علمیه قم، یکی از عوامل اصلی پیروزی انقلاب محسوب میشود بدلیل اینکه رهبری این انقلاب یعنی امام از شاگردان و پرورش یافتگان حوزه علمیه قم بود که به همت و پشتکار حاج شیخ تأسیس شد.

نظر پور (۱۳۸۵) در مقاله اش، با پرداختن به ضرورت حفظ وحدت امت اسلام، به طور مختصر شرایط سیاسی زمان آیت الله شیخ عبدالکریم حائری را بیان می‌کند. دربخش اول مقاله، به زندگی نامه شیخ عبدالکریم حائری از تولد تا وفات و نیز برخی آثار مکتوب ایشان اشاره شده است. در ادامه به بیان خصوصیات اخلاقی ایشان می‌پردازد. در بخش اصلی مقاله، با اشاره به تأسیس حوزه علمیه قم توسط ایشان و اتفاقات سیاسی، اجتماعی بعد از تأسیس حوزه، از چگونگی رویارویی شیخ با این مسائل و از جمله مطرح شدن آموزه رجعت و پاسخ ایشان به استفتایی در این مورد، سخن به میان آمده است. این نوشتار در پایان با تکیه بر تصریحات امام خمینی (ره)، به ذکر برخی تلاشهای فرهنگی و اجتماعی آیت الله حائری می‌پردازد.

نیکبخت (۱۳۹۰) در مقاله اش اظهار داشته است که مرحوم آیه‌الله حائری پس از آنکه سالهای متمادی در نجف اشرف متوقف بودند، در اثر اغتشاش عراق و کسالت موذی مزاج مجبور به هجرت شد. سال ۱۳۳۱ هجری به ایران تشریف آورده، به اتفاق یکی از آقازادگان مرحوم حاج آقا محسن عراقی به بلده سلطان آباد که امروز اراکش گویند وارد و متوقف شد. در مسجد معروف به آقاضیاء نماز می‌خواند و در هما نجا تدریس می‌کرد. چون متدرجاً از خارج نیز طلاب به قصد استفاده از محضر آن مرحوم به اراک آمدند و عده متعلمین زیاد شد، ناچار مدرس خود را به مدرسه سپهدار انتقال داد. در سنه ی ۱۳۳۷ قمری از نظر ادای نذر و انجام

تعهدی که داشت به عتبه بوسی ثامن الائمه مشرف شد. در اثنای تشریف به ارض اقدس، فوت خلد آشیان سید محمدکاظم طباطبایی در نجف اتفاق افتاد.

خراسانی‌ها استدعا کردند که مرحوم حائری در مشهد اقامت گزیند. اهالی اراک اصرار داشتند به موقف اولی رجعت فرمایند؛ بالاخره عودت فرمود. مرحوم آیه‌الله میرزا محمدتقی شیرازی که مرجعیت تام یافته بود احتیاطات خود را به مرحوم معظم له رجوع فرمود و متمایل شد که ایشان از اراک به عراق عرب برگردند، ولی چون عمر مرحوم شیرازی پایان یافت (ذیحجه ۳۹ هجری) مرجعیت در سلطان آباد به آقای حاج شیخ منتقل شد. شهریه ای که به طلاب داده می شد به پول آن زمان به ماهی ششصد تومان بالغ می گشت.

توکلی محمدی و مطهری فرد و لکزی (۱۳۹۴) در مقاله شان بیان کرده اند که آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی از شخصیت های تاثیرگذار در حفظ و پویایی اسلام شیعی است. لذا مطالعه ی رفتار و آرای فقهی و سیاسی آن بزرگوار و هم چنین نحوه ی مواجهه ی علمی و عملی ایشان در امر سیاست و حکوم تداری مورد توجه پژوه شگران اندیشه ی سیاسی اسلام بوده است. مساله ی اصلی تحقیق حاضر، کشف اندیشه ی فقهی سیاسی آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی است. این مساله همواره محل بحث بوده که حق حکومت در دوران غیبت از آن یا رویکرد ایشان به حکومت اسلامی چیست تناقضات موجود در اندیشه و رفتارهای سیاسی ایشان چگونه قابل توجیه و یا کیست در این نوشتار به خوانشی از رویکرد سیاسی موسس حوزه ی علمیه ی قم خواهیم است پرداخت که در آن، رویه ی سیاسی شیخ عبدالکریم بر اساس مصالح و مفاسد و تدبیر دورنگرانه و با هدفی کاملاً متعالی دنبال شده است. در واقع ایشان در وهله ی اول به دنبال حفظ اصل دین بوده و در گام بعدی به امور مسلمین اهتمام داشته اند. هم چنین نشان خواهیم داد که چگونه نظرات ایشان در باب ولایت و حکومت اسلامی، در سیر تطور و پیشرفت نظریه ی ولایت فقیه تاثیر گذاشته است.

### زندگینامه شیخ عبدالکریم حائری

عبدالکریم فرزند محمد جعفر مشهور به آیت الله و معروف به حاج شیخ، به سال ۱۲۷۶ ق، در روستای مهرجرد میبد از توابع یزد زاده شد. مقدمات علوم دینی را در اردکان و سطح را در یزد خواند (امینی،

۱۳۷۴:ص ۱۲) و برای تکمیل آموخته ها عتبات شد و در کربلا از محضر درس علامه بزرگ مولا محمد حسین فاضل اردکانی معروف به آخوند اردکانی (۱۲۳۵-۱۳۰۲ ق) بهره مند شد. حائری پس از دو سال تلمذ در محضر فاضل اردکانی، به سامرا رفته در سلک شاگردان میرزای یرازی در می آید. در سامرا، او از محضر شیخ فضل الله نوری و میرزا محمد تقی شیرازی نیز بهره می گیرد اما عمده تلمذ او در نزد سید محمد اسپهانی فشارکی بوده است و شیخ، سالیان دراز در نزد او به فراگرفتن دانش های دینی می پردازد(منظور الاجداد، ۱۳۷۹ : ص ۳۱۶).

در زندگی مرحوم حاج شیخ، زهد جایی ویژه داشت و افزون بر خصال شخصی، تلمذ وی در نزد اساتیدی، در اتصاف وی به این صفت، نقش داشته است. او نیز همانند استادش مرحوم فشارکی، تمایلی به پذیرش ریاست نداشت. آیت الله شیخ عبدالحسین غروی تبریزی از شاگردان مرحوم حاج شیخ در این مورد چنین گفته اند: " مرحوم آیت الله حائری، خصایص برجسته ای داشت. واقعا مذهب و پیراسته بود (منظور الاجداد، ۱۳۷۹ : ۳۱۷).

پس از سال ها تلمذ در محضر مرحوم فشارکی، شیخ به حج رفت و در بازگشت از این سفر عازم نجف شد. چندی در محضر درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی حاضر شد و سپس به کربلا رفت و در آن شهر به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۱۶ ق، به اراک آمد و تا سال ۱۳۲۴ ق، در این شهر به تربیت شاگردان اشتغال داشت. به سال ۱۳۲۴ ق و به هنگام اوج گرفتن نهضت مشروطه خواهی ایرانیان، وی به عراق مهاجرت نموده در کربلا ساکن شد. هشت سال بعد (۱۳۲۲ ق.) مجددا به اراک بازگشت. در سال ۱۳۳۷ ق، وی به زیارت مشهد مقدس رفت و از قم نیز عبور کرد و بر متروک ماندن مدارس شهر افسوس خورد اما سفر از اراک به قم و اقامت در این شهر را دشوار می دید. پس از بازگشت از سفر زیارتی به اراک، به رغم دریافت نامه میرزا محمد تقی شیرلزی، حاکی از ضرورت مراجعت وی به عتبات، حاج شیخ، چون از اوضاع ایران راضی نبود و باور داشت که کشور رو به تباهی و فساد دارد، سخن میرزا را نپذیرفته از ایشان خواست که به ایران بیایند و با تشکیل حوزه ای قوی در این سیر سریع به سوی تباهی، وقفه ای ایجاد کنند. میرزا البته به عذر کهولت سن نپذیرفت ولی از آن پس برای مراجعت به عتبات، به وی اصرار نکرد. چندی بعد چون علمای قم از حاج شیخ خواهش کردند که به قم برود و حوزه علمیه را در آن شهر تشکیل دهد، وی نپذیرفت و به قم



رفت و برای تحقق بخشیدن به همان اندیشه که در نامه به میرزای شیرازی نوشته بود یعنی کند کردن سیر تباهی ایران، به بنیان نهادن حوزه قم همت گماشت. (۱۳۴۰ ق). از این پس، قصد وی برای حفظ و تقویت این حوزه نو پا، تعیین کننده مواضع سیاسی او گشت. از اینرو در پی ورود آیات عظام نائینی و اصفهانی به قم، به رغم اینکه همه نوع تایید و تقویت از آنان به عمل آورد، ظاهراً در حد انتظار وابستگان بدیشان به حمایت از خواسته های سیاسی آنان بر نخواست و لذا مورد اعتراض شیخ محمد خالصی زاده قرار گرفت اما از رویه خود دست برداشت (منظور الاجداد، ۱۳۷۹: ص ۳۲۰).

توان علمی و قدرت مدیریت مرحوم حاج شیخ، به وی امکان داد که در شرایطی بسیار دشوار حوزه نوپای قم را از میان امواج فتنه به سلامت بگذراند. وی برای طلاب وارد به قم آزمونی گذاشته بود و اگر آنان را برای روحانی شدن مناسب نمی دید به کار دیگری مامور می کرد اگرچه به اهمیت تبلیغ در بین وظایف روحانی باور داشت، به هر کسی اجازه نمی داد که به سفر تبلیغی برود. مرحوم شیخ محمد رضا طبسی موردی را به یاد می آورد که شیخی از اهل یزد اصرار بسیار داشت که برای تبلیغ برود و از مرحوم حاج شیخ اجازه می خواست. وی همچنین چندان به تخلق روحانیون به اخلاق نیکو اهمیت می داند که از مرحوم حاج میرزا علی آقا اصفهانی دعوت کرد که یک دهه برای طلاب، درس اخلاق بگوید و آنان را موعظه کند. این جلسه مخصوص طلاب بود و بر در مدرسه افرادی را کمارده بودند که از ورود غیر اهل علم جلوگیری کنند. این آقا، تمام این ده روز را درباره اخلاق اهل علم صحبت می کرد (منظور الاجداد، ۱۳۷۹: ص ۳۳۴).

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم نسبت به وضع معیشت طلاب هم بسیار حساس بود و با اینکه امکانات بسنده در اختیار نداشت هر چه بود به مصرف طلاب می رسید. علاوه بر رسیدگی به امور طلاب و ایجاد بیمارستان و درمانگاه برای آنان، مرحوم حاج شیخ در جهت تامین آسایش مردم قم نیز گامهایی برداشت و به ویژه به هنگامی که در دوم خرداد ۱۳۱۳، سیل شهر قم را فرا گرفت و خانه های بسیاری را خراب نمود، مرحوم حائری از سراسر ایران کمک خواست و برای بازسازی ویرانه ها تلاش کرد. همچنین ایشان با درایت ویژه خود، از گسترش اختلافات

دینی بین مردم جلوگیری می نمود. این عالم ربانی سرانجام در نیمه شب ۹ بهمن سال ۱۳۱۵ درگذشت.

### آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری و ارتباط ایشان با علمای اراک

در دوره رضا خان روحانیت با فرجام دلسردی که داشت بیشترین لطمات را متحمل شد هم به هدف از شرکت خود در مشروطه ( یعنی تقویت جامعه اسلامی، جلوگیری از نفوذ بیگانگان و رهایی از ظلم و برطرف کردن فقر اقتصادی و نهایتا گسترش دین داری ) نرسید و هم با از دست دادن منزلت اجتماعی اش، دوران تحقیر آمیزی را تجربه کرد و بالاخره به عنوان حاملان سنت در قبال تجدد آمرانه رضا خان، مورد انتقاد بسیاری قرار گرفتند ( فراتی، ۱۳۹۳ : ص ۷۳-۷۴). در چنین اوضاع دلسرد کننده ای بود که هم کسانی به شیخ عبدالکریم حائری اصرار می کردند که در قم اقامت کند و حوزه ای بنا نماید و هم شیخ که چنین پیشنهادی را پذیرفت، از پریشانی روحانیت در سالهای پس از مشروطه، نگران و از بی پناهی آنان می هراسیدند، به ویژه آنکه حائری دریافته بود مداخله انگلستان در کودتای رضاخانی احتمالا روحانیت را در روند تحولات آینده از میان خواهد برد (فراتی، ۱۳۹۳ : ص ۷۴).

مهاجرت آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به اراک و اقامت شانزده ساله ( دو دوره هشت ساله با فاصله ) وی در آن ولایت را بایستی یکی از مهمترین رخدادهای تاریخ اراک دانست چرا که حاج شیخ در خلال مدت حضور در این شهر دست به اقداماتی بنیادی زد تلاشهایی که البته چند دهه پس از او نتایج بخش آشکار گردید و مسیر تاریخ ایران را تغییر داد. اقدام مهم او تأسیس حوزه علمیه دینی و جذب و تربیت شاگردانی مهذب و کوشا بود که از میان آنان، یکی سرآمد دیگران شد و زمام تاریخ ایران را در دست گرفت: آیت الله العظمی روح الله موسوی خمینی (مرادی نیا، ۱۳۹۶ : ص ۱۱۶).

حاج شیخ عبدالکریم پس از فوت آیت الله سید محمد فشارکی اصفهانی در نجف به سال ۱۳۱۶ ق بنا به دعوت و اصرار حاج میرزا محمود، پسر ارشد حاجی آقا محسن عراقی که در سامرا به تحصیل مشغول بود و از محضر حاج شیخ بهره می برد برای نخستین بار به اراک مسافرت نمود (آقا بابا، ۱۳۷۸ : ص ۲۳۹).

آیت الله حائری پس از اقامت در اراک اقدام به تأسیس مدرسه دینی کرد و در زمینه تربیت شاگرد اهتمام ورزید اما هشت سال بعد در سال ۱۳۲۴ ق و هم زمان با اوج گیری انقلاب مشروطه اراک را به مقصد عتبات عالیات ترک گفت. آیت الله شیخ محمد علی اراکی در باره علت این اقدام حاج شیخ گفته است: در امورات سیاسی مداخله نمی کرد. در سنه سال ۱۳۲۴ ق که طلوع مشروطیت شد خفیا [پنهان] از حاج آقا محسن و اگرم دانستند جدا جلوگیری می کرد، از اراک تنها بدون عیالاتش . . . . به عتبات رفت و دلیل نرفتن ایشان به نجف و اقامت در کربلا این بود که در نجف گفتگوهای بین سید کاظم یزدی مخالف مشروطه و آخوند خراسانی مشروطه خواه بود، می خواست که نه در طرفیت این باشد و نه آن (نیکو برش، ۱۳۸۱: ص ۴۱).

عبدالحسین حائری، نوه آیت الله حائری نارضایتی حاج شیخ از وابستگی حوزه اراک به حاج آقا محسن را نیز از دیگر دلایل ترک اراک توسط حاج شیخ می داند. او با اشاره به نامه آیت الله حائری به دوست خود آقا شیخ محمد قاضی می گوید: مرحوم حاج شیخ دوستی داشتند در اراک به نام آقای شیخ محمد قاضی . . . که بین پدر بزرگ ما و مرحوم قاضی مکاتباتی بوده است از جمله نامه ها، نامه ای است که مرحوم حاج شیخ از عتبات به آقای قاضی نوشته اند و از محتوای آن نامه چنین بر می آید که عده زیادی از ایشان دعوت کرده بودند که به اراک بیاید . . . . پدر بزرگ ما در این نامه به آقای قاضی می نویسد که من در صورتی به اراک خواهم آمد که به هیچ وجه زندگی روحانیون بستگی به آقایان یعنی پسرهای حاج آقا محسن نداشته باشد . . . . مرحوم حاج شیخ در آن نامه شرحی داده بود که برای آن بار اول که آمده بودم به اراک و حوزه ای تشکیل شد، حوزه ای نبود که دلخواه من باشد و من در صورتی مجدداً به اراک می آمیم تا حوزه ای تشکیل بدهیم که به هیچ وجه این حوزه به خانواده حاج آقا محسن بستگی نداشته باشد و خودمان بتوانیم آن را اداره کنیم (نیکو برش، ۱۳۸۱: ص ۴۶؛ مددی، ۱۳۸۰: ص ۸۹).

عبدالهادی حائری نیز بی علاقه‌گی شیخ به درگیری‌های انقلاب مشروطه را عامل اصلی مهاجرت وی از اراک و از ایران می داند. به نوشته او؛ انقلاب مشروطیت ایران که آغاز شد علما و اعیان اراک، از جمله حاج آقا محسن عراقی، در انقلاب درگیر شدند. البته با ذوق حائری

همانگ نبود و بنابراین او برای دوری از انقلاب در سال سال ۱۹۰۶ (۱۳۲۴ ق) یعنی درست هم زمان با اعلام مشروطیت در ایران به نجف رفت ( حائری، ۱۳۶۲ : ص ۱۷۹).

آیت الله حائری پس از هشت سال اقامت در کربلا مجددا در سال ۱۳۳۲ ق و هم زمان با آغاز جنگ جهانی اول به دعوت علمای اراک به این شهر آمد و رحل اقامت افکند. آیت الله محمد علی اراکی در باره چگونگی این سفر و اقامت گفته است: مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری ساکن کربلا بود و به ذهنش خطور نمی کرد که روزی به ایران بیاید و ساکن شود تا آن که نذر کرد برای زیارت امام رضا (ع) عازم مشهد شود و منتظر فرصت مناسبی بود تا به نذرش وفا کند (مرادی نیا، ۱۳۹۶ : ص ۱۱۷).

حاج آقا اسماعیل فرزند حاج آقا محسن عراقی از نذر حاج شیخ مطلع شد و به ایشان عرض کرد بیاید با هم به اراک برویم بقیه سفر راهم خدا مقدر می کند، حاج شیخ پذیرفت و با هم به اراک آمدند. حاج آقا اسماعیل چون دوست داشت حاج شیخ در اراک بماند سفر مشهد را به تاخیر می انداخت. از طرف دیگر، چون از اطراف و اکناف همدان، کاشان، یزد و شهرهای دیگر از عزیمت حاج شیخ به اراک مطلع شدند برای دیدن ایشان به اراک آمدند. چون رفت و آمدها زیاد شد، ایشان به ناچار تصمیم گرفت مدتی در اراک بماند. در مسجد آقا ضیا مشغول تدریس و در مسجد جنب آن به اقامه جماعت پرداخت. پس از نماز هم طلاب بر گرد ایشان حلقه زده و خواستار صحبت علمی می شدند (همان: ص ۱۱۸).

با شروع درس افراد زیادی در درس حاضر شدند تا آنکه روزی حاج شیخ فرمود من حوزه اراک را کمتر از حوزه نجف نمی بینم. حاج آقا اسماعیل که از اقامت حاج شیخ اطمینان پیدا کرد مقدمات سفر مشهد را فراهم نمود. حاج شیخ به مشهد مشرف شد اما پس از بازگشت، دیگر از رفتن به عتبات منصرف شد و تصمیم گرفته بود در اراک بماند. ( ورعی، ۱۳۸۳ : ص ۵۸۹-۵۹۰ ).

آیت الله حائری زمانی که به اراک آمد از مجتهدان بر جسته به شمار می آمد به گونه ای که استادش آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی، مقلدان خود را در احتیاطات به وی ارجاع می داد. آوازه تدریس آیت الله حائری در نقاط مختلف ایران پیچید و طالبان علم و معرفت برای بهره گیری از حوزه درسی وی راهی اراک شدند. آقایان سید روح الله موسوی

خمینی(ره)، سید محمد رضا گلپایگانی، سید احمد زنجانی، میرزا خلیل کمره‌ای، میرزا مهدی بروجردی، میرزا باقر کمره‌ای و دهها تن دیگر از جمله فضلا و طلابی بودند که در حوزه اراک گرد آمدند و به آن رونقی درخور و شایسته بخشیدند (مرادی نیا، ۱۳۹۶: ص ۱۱۸).

آیت الله پسندیده درباره حضور برادر خود امام خمینی (ره) در حوزه علمیه اراک، اساتید وی و علمای آنجا نوشته است: امام در سنه ۱۳۳۹ هجری به عراق (اراک فعلی) رفتند. آن وقت مرحوم حاج شیخ در عراق بودند. مرحوم حاج شیخ در سال ۱۳۲۳ به عراق آمده و با مرحوم حاج آقا اسماعیل عراقی در آنجا بودند. در عراق مرحوم حاج آقا نورالله عراقی در نظر مردم، مقدم بر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری بود یعنی از نظر علمی از همه مقدم بود. مرحوم حاج شیخ در آنجا مشغول اداره امور علمی بودند و در همان جا ماندند. امام خمینی (ره) که در سال ۱۳۳۹ ق برای تحصیل به عراق (اراک کنونی) رفتند، مطول را نزد مرحوم شیخ محمد علی بروجردی، منطق را نزد حاج شیخ محمد گلپایگانی ادامه داده و شرح لمعه را نزد مرحوم آقا عباس اراکی آغاز کردند (مرادی نیا، ۱۳۷۴: ص ۵۱).

آیت الله حائری در مدت اقامت در اراک، موفق شد با استقلال، حوزه آنجا را اداره کند و از توان علمی علما و مدرسانی که می شناخت و توانسته بود آنان را به اراک بکشاند برای رونق بخشیدن به آن حوزه بهره ببرد. از جمله علمایی که دعوت حاج شیخ را پذیرفتند و صاحب کرسی درس در آنجا شدند می توان از حاج میرزا حسین برقی، حاج ابوالفضل زاهد، حاج میرزا محمود روحانی، سید محمد صدرالعلماء، سید علی یثربی، سید محمد تقی خوانساری و حاج سید احمد خوانساری نام برد. اینان از قم، اراک، اصفهان و نجف به حاج شیخ پیوسته بودند (نیکو برش، ۱۳۸۱: ص ۴۹).

با گذشت زمان بر شمار طلاب حوزه علمیه اراک تحت مدیریت حاج شیخ افزوده شد تا آنکه تعداد آنان از سیصد نفر گذشت و با در گذشت سه تن از مراجع شیعه به نامهای سید محمد کاظم یزدی، شیخ شریعت اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی در سالهای ۱۳۳۷، ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ ق تعدادی از مقلدان آنها به حاج شیخ مراجعه کردند و وی در شمار مراجع تقلید نیز شناخته شد. آیت الله حائری در اقامت دوم خود در اراک، در مسجد معروف آقا ضیاء الدین عراقی نماز می خواند و در همان جا هم تدریس می کرد، چون متدرجا از خارج نیز

طلاب به قصد استفاده از محضر آن مرحوم به اراک می آمدند و عده متعلمین زیاد شدند ناچار مدرسه خود را به مدرسه سپهسالار انتقال دادند. سرانجام آیت الله حائری پس از هشت سال اقامت در اراک ( به علاوه هشت سال مرحله اول ) به درخواست و اصرار علمای قم تصمیم به مهاجرت از اراک و نیز انتقال حوزه علمیه آنجا به قم گرفت. این تصمیم در عید نوروز در سال ۱۳۰۱ ش عملی شد و حاج شیخ برای همیشه با اراک وداع گفت. آیت الله حاج میرزا محمد فیض یکی از دعوت کنندگان حاج شیخ به قم بود که نامه ای برای وی به اراک فرستاد. هنگامی که از نتیجه نامه خبری نشد آیت الله فیض، حجت الاسلام سید حسن برقی امام جماعت صحن بزرگ حرم حضرت معصومه (س) را به اراک فرستاد تا از نزدیک با حاج شیخ دیدار و او را به حرکت به قم تشویق کند ( محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹).

علاوه بر برقی، افراد دیگری مانند سید محمد صدرالعلماء و سید محمود روحانی نیز به اراک رفتند و از حاج شیخ خواستند درس را تعطیل کند و برای زیارت به قم مشرف شوند. آیت الله حائری روز نیمه شعبان سال ۱۳۴۰ ق، هم زمان با ایام نوروز وارد قم شد و پس از آن به اصرار عمای قم در همانجا ماندگار شد. شاگردان حاج شیخ نیز اندکی بعد، اراک را ترک کردند و در قم به رهبر و استادشان پیوستند.

### عزیمت حاج شیخ عبدالکریم حائری به قم و تأسیس حوزه علمیه قم

حاج شیخ عبدالکریم حائری در ۲۲ رجب و به قوی شعبان سال ۱۳۴۰ مصادف با نوروز سال ۱۳۰۱ جهت زیارت حضرت معصومه (س) و تحویل سال شمسی به قم مسافرت می نمایند و در ۲۴ رجب به قم وارد می گردند. در این مسافرت آیت الله خوانساری، حاج میرزا مهدی بروجردی، شیخ احمد یزدی و فرزندشان حاج شیخ مرتضی و خانمشان کربلایی علی شاه همراه حاج شیخ بوده اند. آیت الله اراکی در مورد اقامت حاج شیخ در قم می فرماید: " بعد از آنکه ایشان در سلطان آباد متوقف می شوند علمای قم تصمیم می گیرند ایشان را به قم بیاورند به جهت اینکه قم عنوان مشهدیت دارد ( آقابابا، ۱۳۷۸ : ص ۲۷۵). سلطان آباد که عنوان مشهدیت ندارد. بالاخره ایشان را در یک شب عید نوروز که نیمه شعبان نیز بوده است در آن عصر، حرکت می دهند به عنوان زیارت و می آورند به قم و در اینجا به حاج شیخ محمد سلطان الواعظین تهرانی سفارش می کنند که در منبر مردم را تهییج کند. در حالی که جمعیت از اطراف آمده بودند

و در صحن اجتماع کرده بودند برای تحویل سال، او منبر می رود. حاج شیخ عبدالکریم را نیز وادار می کنند که در صحن نو حضرت معصومه (س)، نماز مغرب و عشاء را به جماعت برگزار کند. بعد از اتمام نماز جماعت، حاج شیخ، محمد سلطان الواعظین به منبر می رود و مردم را تهییج می کند که ایشان را نگذارید بروند از قم، ایشان را نگه دارید. مردم هم با یک شور و شوق و حال مخصوصی به ایشان می گروند (آقابابا، ۱۳۷۸: ص ۲۷۶).

پس از اینکه خبر اقامت حاج شیخ به اراک می رسد شاگردان وی نیز به شهر قم مهاجرت می نمایند که از آن جمله اند: حضرت امام خمینی (ره)، حضرت آیت الله اراکی (ره)، آیت الله حاج سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله سید محمد تقی خوانساری، آیت الله حاج شیخ عباس طهرانی، و دیگر علمای بزرگ آن زمان. (استادی، ۱۳۷۵) بدین ترتیب حوزه علمیه ای که به دست حاج شیخ در اراک تأسیس شده بود به قم منتقل و منشا تحولات عظیمی در تاریخ ایران گردید.

آیت الله حائری که از سال ۱۳۴۰ ق مشغول ساماندهی حوزه بود، توانست کارهای بسیار اساسی انجام دهد و در واقع آن حوزه بزرگی که می رفت تا مهد پرورش و تربیت علمای بزرگی چون امام خمینی (ره) و مراجع دیگر عالیقدر شود، بنیان بگذارد. لیکن این برای آیت الله حائری به معنای پایان مسئولیت نبود بلکه برای ایشان که هنوز به عظمت حوزه علمیه قم می اندیشید، آینده آن اهمیت ویژه ای داشت. حاج شیخ عبدالکریم هر چه به کهنسالی نزدیک می شد در آن دوران پراکندگی کشور، بیشتر به آینده حوزه نوپا می اندیشید. ایشان باید راه چاره ای برای حفظ و تداوم حیات حوزه می یافت تا مانند دوران میرزای قمی با افول عمر او، حوزه افول نکند و وجود این مرکز علمی شیعی از گزند حوادث بد روزگار آن زمان مصون بماند (زهره کاشانی، ۱۳۹۶: ص ۱۱۸).

چاره اندیشی او به اینجا منتهی شد که باید تا آنجا که ممکن است فضا و علمای دینی به خصوص عالمان بزرگ و مجتهد را در حوزه قم گرد آورد تا ضمن تقویت پایه های حوزه فعلی، ذخیره‌هایی برای آینده آن باشند. در راستای این سیاست در سال ۱۳۵۴ ق، هنگامی که یکی از تجار برای تودیع و سفر به مشهد مقدس به حضور ایشان می رسد، حاج شیخ ضمن بیان اینکه من پیر شده ام از تاجر قمی به نام حاج سید مصطفوی می خواهد تا در مشهد مقدس از

آیت الله صدر برای اقامت در قم دعوت کند و به هر نحو که شده ایشان را به سوی قم حرکت دهد. آیت الله صدر با آنکه مجاورت با ثامن الحجج امام رضا (ع) را بسیار دوست داشت، با اصرار آن تاجر و با شناختی که طی دوران سکونت خود در قم از حوزه آنجا به دست آورده بود و به موقعیت و شرایط استثنایی حوزه به خوبی آگاه بود و انگیزه حاج شیخ را کاملاً درک می کرد تصمیم گرفت به دعوت ایشان پاسخ مثبت دهد. لذا به زودی برای چندمین بار با هجرت به قم، آیت الله حائری را بسیار خرسند کرد. فقیه بزرگ حریم رضوی پس از ورود به قم، افزون بر تدریس سطوح عالی در درس حضرت آیت الله حائری حضور می یافت. آیت الله حائری جناب حاج آقا صدر را وصی خود قرار داد ولی به پیشنهاد او، آیت الله سید محمد حجت نیز به وصایت وی برگزیده شد ( زهره کاشانی، ۱۳۹۶ : ص ۱۱۸).

در سال ۱۳۴۹ ق بود که آیت الله سید محمد حجت دیگر وصی آیت الله حائری، در قم اقامت گزید و تدریس در این حوزه را آغاز کرد. در آن روزگار حوزه علمیه قم در سرآغاز تجدید حیات خود قرار داشت و در راس این حوزه علمیه، انسان بسیار بزرگ و عالم اندیشمندی چون آیت الله شیخ عبدالکریم قرار داشت و در سایه توجه و تلاشهای ایشان می رفت که از غربت عزلت در فراموشی بار دیگر در جهان اسلام مطرح و نامش شهره عالم شود.

آیت الله سید محمد تقی خوانساری پس از چند سال تبعید در هند به دلیل جنگ در مقابل بریتانیا در جنگ جهانی اول به ایران مراجعت نمود. ابتدا به خوانسار رفت و پس از مدت کوتاهی به آیت الله حائری در حوزه اراک پیوست. ایشان همراه با آیت الله حائری از اراک به شهر قم هجرت کرد. در هنگام رحلت، آیت الله حائری از مراجع و اساتید پیشکسوت حوزه قم و از همراهان دیرینه معظم له به شمار می آمد ( زهره کاشانی، ۱۳۹۶ : ص ۱۱۹). در مجموع می توان حیات کنونی حوزه علمیه قم را تا حد زیادی مرهون حوزه علمیه آن روز اراک دانست، در غیر این صورت شاید این حوزه به این سرعت و با این کیفیت رونق نمی یافت.

### آخوند ملا فتحعلی سلطان آبادی و اطلاع از آینده ی حاج شیخ عبدالکریم

هنگامی که حاج شیخ در اراک حضور داشت و به خصوص پس از فوت آیت الله میرزا تقی شیرازی و آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی به نوعی مرجعیت عام یافته و استفتاعات کثبی بسیاری از اکناف ایران و



عراق به ایشان می‌رسید. همچنین بسیاری از علما از جمله علمای قم همواره ایشان را ترغیب به عزیمت و اقامت در قم می‌نمودند. علاوه بر آن حاج شیخ داستانی از دوران جوانی خود نقل می‌کند که بر آن اساس آخوند مبل فتحعلی سلطان آبادی پیشگویی کرده بود که وی نهایتاً در قم پرچم تشیع را بر دوش خواهد کشید. لذا این موضوع نیز می‌توانسته تا حدی در حرکت حاج شیخ عبدالکریم به قم موثر باشد (آقا بابا، ۱۳۷۸: ص ۲۷۱).

در اینکه آخوند ملا فتحعلی به واسطه‌ی افاضات اهل بیت (ع)، گاهی کشف حجاب برایش حاصل می‌شده و فردا و فرداهای افراد را همچون تابلویی صریح و آشکار می‌دید، جای هیچ تردیدی نیست. بهترین موید این ادعا، پیشگویی آن جناب است راجع به آینده‌ی شیخ عبدالکریم حائری.

ملا فتحعلی قبل از اینکه حاج شیخ عبدالکریم زعامت حوزه‌ی علمیه قم را به دست با کفایت بگیرد و طلایه دار علم و فقاہت در این شهر مقدس گردد از این امر خبر داد. صاحب کتاب حکما و عرفای متاخرین می‌گوید: مرحوم مبرور، سید حسن فرید هزاوه‌ای عراقی - طالب ثراه - به ما گفت که: عصر جمعه سوم مهر ۱۳۴۹ شمسی که مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در اواخر اقامت در اراک مریض و بستری شد، روزی من به عیادت او رفته بودم که دکتر فضل الله خان آمد و بعد از معاینه گفت: "اگر چای کم بخورید و شتب (چیق) کم بکشید - حاج شیخ مرحوم، این دو را به فراوانی استفاده می‌کرد، هیچ کسالتی نخواهید داشت. شیخ حائری فرمود: شنیده‌ام فرنگی‌ها مدعی‌اند که این دو (دخان و چای) از عمر می‌کاهد و جداولی در این باب پرداخته‌اند. طبیب گفت: بلی و می‌گویند که صدی‌سی (یعنی ۳۰ درصد) از عمر می‌کاهد. حاج شیخ گفت: بیش از صد سال که عمر نمی‌توان کرد و دو ثلث از عمر من گذشته است. آنگاه فرمود: یک چای تند با شتی بیابورند. چون میل کرد، بشاشتی یافت و گفت: به هنگام جوانی، روزی به محضر آقا میرزا محمد تقی شیرازی و آقا شیخ فضل الله نوری، همراه با چند نفر دیگر در حجره‌ی نشسته بودیم. ناگاه مرد ژولیده‌ی که می‌نمود که در آب رفته است و پارچه‌ی بی‌خود پیچیده و دستمال مانندی بر سر بسته و عبایی وصله دار بر دوش گرفته بود، با کفشی پاره از در وارد شد. میرزا بر خاست و با احترام ایشان را آورد و نزد خویش نشاند (نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۲۰۱).

او با اشاره به آقا شیخ فضل الله از میرزا پرسید کیست؟ چون میرزا فرمود: آقا شیخ فضل الله نوری ست و شناسانیدش، گفت: چند سال بعد شیخ فضل الله نامی را در تهران بر دار می کشند، او تو نباشی! آنگاه نام من را از میرزا پرسید و چون میرزا گفت که آقا شیخ عبدالکریم یزدی ست و از اهل بیت است و بالفعل از فضلا می باشد، مسئله یی از من پرسید و من از غایت وضوح آن، جوابی نگفتم و فهمیدم میرزا خشمگین شد. آنگاه گفت: علما در این باب این طور می گویند، چون سخن او تمام شد، آن مرد خود به نحوی دیگر تقریری کرد و میرزا گفته ی او را نوشت و به او نشان داد و پرسید: آیا همین گونه فرمودید؟ او گفت: بلی، سپس رو کرد به من و گفت: چندی بعد بیرق اسلام در قم بر دوش شیخ عبدالکریم نامی بلند می شود، او تو نباشی! او برخاست و میرزا کفش پیش پای او نهاد و بدرقه کرد و چون باز آمد، بسی بر من خشم گرفت و گفت: این مرد آخوند ملا فتحعلی سلطان آبادی بود.

چوم حاج شیخ به اینجا رسید، حاج میرزا مهدی - که تاجری ورشکسته و در محضر او بود - گفت: اراک تا قم بیست و یک فرسنگ می باشد و بیست و چهار در بیست و چهار، حریم قم است. نتیجه اینکه، شما امروز قم هستید و بیرق اسلام بر دوش شماست. آنگاه حاج شیخ فرمود: ولی من امروز عالم طراز دوم سلطان آبادم. چون مدی گذشت، گویی قافله یی از اراک که به زیارت عتبات عالیات رفته بودند وقتی به محضر میرزا می رسند، می گویند: درباره ی مسائلی که در رساله ی شما موجود نیست، تکلیف ما چیست؟ آنگاه میرزا بعد از سوال از اینکه اهل کجایند، آنان را به مرحوم حاج شیخ عبدالکریم ارجاع می فرماید. چون آنان باز می گردند و به نزدیکی های مرز می رسند و می شنوند که میرزا وفات یافته است، همه جا شایع می گردانند که میرزا، حاج شیخ را جانشین خویش قرار داده است. . . (نعیمی، ۱۳۸۵: ص ۲۰۲).

### آثار و تالیفات حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی

از آیت الله حائری در کنار همه تلاش های خستگی ناپذیرش، آثار قلمی مهمی نیز به یادگار مانده است که از آن میان می توان به کتابهای ذیل اشاره کرد:

۱- کتاب الصلوات، کتاب مفصلی در باره مسائل نماز است.

۲- کتاب درر الاصول، این کتاب که درر الفوائد نیز نامیده شده، تقریرات درس آیت الله

سید محمد فشارکی است.

۳- کتاب‌های دیگر آیت‌الله حائری، مجموعه رسائلی است که در ابواب مختلف فقهی مانند احکام ارث، احکام شیر دادن و مسائل ازدواج و طلاق به رشته تحریر درآمده است. (زهرة کاشانی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۹-۱۱۰).

### شاگردان آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری

از حوزه درسی ایشان، بزرگانی از علما و مجتهدان عالی مقام که هر کدام منشأ آثار علمی زیادی بودند برخاستند، از جمله:

۱- حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید روح‌الله موسوی، مشهور به امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب شکوهمند اسلامی.

۲- حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محمدرضا گلپایگانی، یکی از مراجع تقلید در نیمه دوم قرن چهاردهم و آغاز قرن پانزدهم هجری قمری، که از استادش با وصف حجت‌الله الکبری یاد می‌کند.

۳- حضرت آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی، از مراجع تقلید قرن چهاردهم.

۴- حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید احمد خوانساری، از مراجع تقلید ساکن تهران.

۵- حضرت آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، حکیم متاله.

۶- حضرت آیت‌الله العظمی سید محمد داماد، که به علت مصاهرت و علقه سببی با آیت‌الله العظمی حائری، به داماد ملقب شد.

۷- حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی، از مراجع عصر که از استادش با عنوان آیه‌الله فی‌العالمین، "متوسلاً باذیال اهل‌البیت" یاد می‌کند.

۸- حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید رضا بهاء‌الدینی، از فقهای عظام و استاد اخلاق حوزه علمیه قم و دیگر بزرگان از فقها و مراجع که مجال ذکر نامشان نیست. (فاکر میبدی، ۱۳۸۲: ص ۲۲۹).

## حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ محمد علی اراکی

شیخ جعفر شبلی در کلاس درس خود نزد شاگرد وارسته اش آقا محمد علی اراکی از حاج شیخ عبدالکریم حائری و مهارت ایشان در مسائل فقه و اصول بسیار زیاد یاد می کرد. این امر ایشان را سخت شیفته مرحوم شیخ عبدالکریم حائری می کند. در سفر دوم مرحوم حائری به اراک (سال ۱۳۳۲ ق) که در آن شهر ماندگار شد، از همان اول حضرت آیت الله اراکی در درس ایشان مشتاقانه حاضر می شد. تا اینکه هم زمان با مهاجرت ایشان به قم، همراه استادشان عازم قم گردید و در قم نیز تا آخر عمر ملازم حاج شیخ عبدالکریم بوده، در پای درس او شرکت می کرد (صدرایی خویی، ۱۳۸۴: ص ۴۲).

شیخ عبدالکریم به خاطر نبوغ زیادی که در درس از ایشان مشاهده کرده بود علاقه فراوانی به ایشان داشت و همیشه مورد توجه شان بود. حضرت آیت الله اراکی در این مورد از والد معظم شان چنین نقل می کند: روزی حاج شیخ عبدالکریم به خانه ما آمد و به پدرم گفت: پسرت (آیت الله اراکی) جوان فاضل و عالمی است چرا لباس روحانی نمی پوشد؟ در همان روز من به دست مرحوم شیخ عبدالکریم معمم شدم. سپس به حاج شیخ گفت: این پسر من، می گوید ازدواج با تحصیل منافات دارد بنابراین ازدواج نمی کند. شیخ برای ازدواج من استخاره ای کرد و آیه شریفه بسم الله الرحمن الرحیم آمد. بعد از آن شیخ یکی از بستگانش را به همسری من درآورد (صدرایی خویی، ۱۳۸۴: ص ۴۳).

آیت الله اراکی در اراک در مجلس درس آیت الله حائری شرکت می کرد و بعد از انتقال قم نیز تا آخر عمر وی، ملتزم به شرکت در درس آن استاد بزرگ بود. ایشان مدرسه حاج محمد ابراهیم خوانساری را هسته اصلی حوزه علمیه اراک می داند و آن را زیربنای حوزه علمیه قم بر می شمارد. بر این اساس می توان گفت که مدت قابل توجهی حاج شیخ در این مدرسه تدریس می کرده است (آقابابا، ۱۳۷۸: ص ۲۶۱).

## خدمات اجتماعی حاج شیخ عبدالکریم حائری

### ۱- سرپرستی فقرا و مساکین

آیت الله العظمی حائری در عصری زندگی می کرد که به جهت حاکمیت ظلم؛ عدالت اجتماعی در جامعه آرزویی دست نیافتنی می نمود. در کوچه و بازار و معابر عمومی شهر، خصوصا اطراف حرم حضرت معصومه (س) وجود فقرا و تهیدستان که به تکدی روزگار می

گذراندند، چهره ناخوشایندی به این شهر مقدس داده بود. او از این وضع نابسامان رنجیده خاطر بود و در پی چاره می‌گشت. لاجرم محلی را به نام خانه فقرا اختصاص داد و مستمندان شهر را در آن مکان گرد آورد و بدین ترتیب صدقات و کمکهای مالی مردم خیر و نیک اندیش را در مسیری صحیح، صرف اداره امور آنان کرد (عباس زاده، ۱۳۷۷: ص ۹).

## ۲- بنای کتابخانه فیضیه

یکی دیگر از خدمات برجسته حاج شیخ ساختن کتابخانه بود. با تأسیس و رونق کار مدرسه فیضیه، نیاز به یک کتابخانه سخت احساس می‌شد که بتواند تا حدودی نیاز دانشجویان علوم دینی را برآورد، بنابراین حاج شیخ کتابخانه‌ای در مرکز مدرسه فیضیه ایجاد نمود، این کتابخانه در سال ۱۳۴۹ هجری قمری ۲۰ آبان ماه ۱۳۰۹ هجری شمسی یعنی درست ۹ سال پس از ورود آیت الله العظمی حائری و به همت او تشکیل شد و در آن زمان دارای ۴۵۰۰ جلد کتاب در موضوعات فقه و اصول، تفسیر، فلسفه و کلام، منطق و ریاضی، رجال و تراجم، تاریخ، هیئت و نجوم، طب و شعر و ادب بود (فیاضی، ۱۳۷۸: ص ۱۱۰).

## ۳- ساخت بیمارستان‌ها

از اقدامات حائز اهمیت حاج شیخ، ساختن بیمارستان بود. از آنجا که یکی از مشکلات و معضلات مردم آن زمان در قم کمبود امکانات درمانی و شیوع بیماری‌های مختلف بود، حاج شیخ به فکر افتاد حال که با تأسیس حوزه، شهر قم تبدیل به یک مکان آموزشی و علمی شده است، از افراد خیر در زمینه ایجاد یک بیمارستان یاری بطلبید و چون مردم او را به تقوی و تعهد و بی‌نیازی می‌شناختند به یاری او شتافتند چنان که افرادی همچون میرزا سید محمد فاطمی قمی، مبالغی جهت ساخت بیمارستان اهداء کردند و کسانی چون حاج آقا علی فهیم التجار زمین را اختصاص به بنای بیمارستان دادند. گذشته از افراد مذکور، فردی به نام سهام الدوله که از تجار سرشناس و به نام و از ارادتمندان شدید حاج شیخ بود در وصیت نامه خود حاج شیخ عبدالکریم و چند نفر دیگر را وصی خود قرار داد و حاج شیخ در امر وصایت مداخله مستقیم خود را مقدور ندید و آقای شیخ علی مدرس تهرانی را نماینده خود معین کرد.

به هر حال پس از اینکه اوصیاء به کارهای مربوط به وصیت رسیدگی کردند به حاج شیخ اظهار داشتند که وجهی از ثلث سهام الدوله باقی است و به هر نحو که صلاح است در قم به مصرف برسانید و حاج شیخ هم تأسیس بیمارستان را پیشنهاد کرد و ضمناً علاوه بر تأسیس بیمارستان، مبالغ باقی مانده را نیز صرف ساختن پلی برای گورستان جدید شهر نمود که برای رفت و آمد مردم سهولت ایجاد می کرد. حاج شیخ برای این بیمارستان طبیعی به نام سیدالاطباء کهکی در نظر گرفت که تمام وقت به معالجه بیماران اشتغال داشت (فیاضی، ۱۳۷۸: ص ۱۰۵ - ۱۰۶).

#### ۴- انتقال قبرستان و ایجاد غسل خانه

از خدمات دیگر آیت الله العظمی حائری می توان از انتقال قبرستان قم به خارج از شهر نام برد. در آن روزها قبرستان بزرگ قم در جوار در شمالی حرم فاطمه معصومه (س) قرار داشت و چهره زشتی به بافت قدیمی شهر داده بود. شهری که پذیرای زائران اهل بیت و محل بحث و درس طاب علوم دینی به شمار می رفت، به صورت قبرستانی بزرگ به نظر می آمد. آیت الله حائری در این جهت نیز گام ارزشمندی برداشت، در آن سوی رودخانه که آن روزها خارج از شهر محسوب می شد زمین وسیعی را خریداری کرد و آن را به عنوان قبرستان عمومی شهر وقف نمود، که این قبرستان قدیمی هم اکنون به قبرستان قم نو معروف است. ایشان همچنین غسلخانه جدیدی را بنا نهاد و در حاشیه آن خانه هایی را برای زندگی متصدیان آن فراهم آورد (عباس زاده، ۱۳۷۷: ص ۹۸).

#### ۵- ایثار در حادثه سیل قم

یکی از حوادث مهمی که در زمان حاج شیخ رخ داد، سیل عظیمی بود که در روز سه شنبه هشتم صفر ۱۳۵۳ هجری قمری ۱۳۱۳ هجری شمسی از گلپایگان به سوی قم سرازیر شد. در این میان فداکار بهای بسیاری که از حاج شیخ در این حادثه ثبت گردیده درخور توجه است، این سیل بنیان کن در شب دهم صفر برابر با سوم خرداد به شهر قم رسید و خسارات بسیار سنگین به مردم وارد آورد. آیت الله العظمی حائری در این مصیبت خود را سهیم دانست و به سرعت تمام، گزارش و شرح ماوقع را به تمامی شهرها تلگراف کرد و مردم ایران را به

همدردی دعوت کرد. از این رو مردم از هر سو کمکهای زیادی به این امر اختصاص دادند و اصناف هر شهر در مقام جمع آوری اعانات برآمدند و موسسات خیریه از هر سو کمک می کردند و اهالی با حرارت و سرعت عجیبی به هم دردی برخاستند تا آنجا که در هر شهری همچون همدان، زنان طلاهای زینتی خود را به نام کمک به سیل زدگان تقدیم داشتند (فیاضی، ۱۳۷۸: ص ۱۰۷ - ۱۰۸).

### آیت الله شیخ عبدالکریم حائری و امام خمینی (ره)

نمونه کامل موفقیت آیت الله حائری در تأسیس، حفظ و صیانت از حوزه علمیه قم را در وجود امام خمینی (ره) می توان جستجو کرد، هرچند ویژگیهای شخصی و منحصر به فرد ایشان نیز کاملاً مشخص و گویا بوده است. ایشان که پس از طی دروس مقدماتی از خمین راهی اراک شده بود به دنبال مهاجرت آیت الله حائری به قم، رهسپار این شهر شد و پس از چند سال در محضر درس زعیم حوزه علمیه حضور یافت، ضمن آنکه از دیگر اساتید فقه، اصول، فلسفه و اخلاق بهره مند گشته و از همان ابتدا به عنوان یکی از اساتید علوم عقلی و عرفانی مطرح گردید. تخصص ویژه ایشان در علوم عقلی موجب شد تا از ابتدای جوانی تنها پاسخگوی اشکالات و شبهات عقلی در حوزه علمیه قم باشد. حاج آق روح الله در ۲۵ سالگی به مرحله اجتهاد رسید و نخستین کتاب خود شرح دعای سحر را که حاوی نکات عمیق عرفانی، فلسفی و کلامی است در ۲۷ سالگی (سال ۱۳۴۷ ق) به زبان عربی نگاشت. و به گفته برادر بزرگشان آیت الله پسندیده، موقعیت علمی ایشان به قدری زیاده شد که فقه و اصول را تدریس می کردند (بصیرت منش، ۱۳۷۶: ص ۲۷۴).

در باره موضع گیری های سیاسی - فرهنگی امام خمینی (ره) در دوره رضا شاه باید گفت که کوشش ایشان همسو با سیره آیت الله حائری بود. در عین حال احتمال می رود که در مواردی، ایشان سلاطینی بر خلاف نظر آیت الله حائری داشته اند و با توجه به شجاعتی که در ایشان وجود داشت، اعتراضاتی نیز به نحوه عملکرد زعیم حوزه کرده باشند. با این وجود، بر اساس برخی از مطالب نقل شده از امام خمینی (ره) خط مشی آیت الله حائری مورد تایید ایشان قرار داشته است. از جمله از قول ایشان نقل شده که: . . . در بزرگی آیت الله حائری همین مقدار بس که توانست در آن زمان سخت که رضا شاه تصمیم داشت حوزه و روحانیت را

نابود کند، حوزه ها بلکه روحانیت را حفظ کند و این امانت را به ما داده است تا ما به دیگران رد کنیم ( وجدانی، ۱۳۶۸: ص ۱۶۶).

امام خمینی (ره) با توجه به حضور نزدیک در حوزه علمیه قم و درک شرایط حساس آیت الله حائری، بر مقام والای ایشان همواره تاکید داشته اند و این موضوع شاید در بدو امر با مقایسه تمجید از آیت الله مدرس که در ظاهر دارای خط مشی مغایری با موسس حوزه علمیه قم بوده اند، عجیب به نظر برسد ( بصیرت منش، ۱۳۷۶: ص ۲۸۰).

موضع گیری امام خمینی(ره) در هنگام سیاست تغییر لباس روحانیون و امتحان گرفتن از طلاب، نشان از دید عمیق سیاسی ایشان می کند. موسس حوزه نیز در باطن با این موضوع تغییر لباس روحانیون مخالف بود، از اینرو کسانی چون حاج آقا روح الله خمینی(ره) را مامور ساخته بود تا جریان امتحان از طلاب را بر عهده بگیرند. امام خمینی (ره) ضمن ایستادگی در برابر موضوع تغییر لباس، بر خلاف روش انزوا طلبی و در خانه ماندن برخی از روحانیون، معتقد بود که بدون لباس روحانیت هم می بایست به وظیفه عمل کرد و پایگاههایی چون نماز، مسجد و منبر را به آسانی تسلیم رژیم ننمود. این موضوع از سوی خود ایشان مورد تاکید قرار گرفته است. با وجود چنین اعتقادی، امام در حفظ لباس روحانیت اصرار داشتند و در شدید ترین مواقعی که بنا به دستور رژیم، نیروهای نظمیه روحانیون را تحت فشار قرار می دادند، آنها را نصیحت می کردند که دست از آزار و اذیت طلاب بردارند ( بصیرت منش، ۱۳۷۶: ص ۲۸۲).

در موضوع کشف حجاب نیز گفته شده که برخی از فضلالی حوزه که در راسشان امام همینی (ره) بود به آیت الله حائری پیشنهاد داد که تلگرافی در این زمینه به رضا شاه زده و نسبت به این مسئله اعتراض کند. به طور کلی موضع گیری های امام خمینی (ره) در این دوران، بسیار نزدیک به آیت الله حائری است.



## نتیجه گیری

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری با تلاش‌ها، روشها و سیاستهای هوشمندانه خود، رفتارهای تهاجمی و خشونت آمیز رضا شاه علیه طلاب و روحانیون مبارز را تحت کنترل در می آورد از این طریق سعی در محافظت از علما و حفظ و سرپار نگذاشتن حوزه های علمی داشت و نقش مهمی در جلوگیری از صدمات و ضربه های حکومت ظلم و جور و فاسد رضا شاه به مدارس علمیه و طلاب و علما داشت و همواره خودش را سد راه این نامالایمات و اسلام ستیزی دشمنان می کرد. ایشان همواره با روش های زیرکانه و هوشمندانه خود از اندام حوزه های علمیه توسط حکومت رضا شاه جلوگیری می کرد و با دور نگاه داشتن حوزه از دخالت در امور سیاسی، آنرا از خطر نابودی نجات داد.

آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی از شخصیت‌های برجسته و بسیار بزرگ علمی اسلام است که خود در قبال اساتید و اساطین فقه و اصول چون مرحوم شیخ انصاری و آخوند خراسانی دارای مبنای متقن و مستقل محکمی است که می‌توان او را در ردیف نوابغ و فحول علمی اسلام آورد و گذشته از شخصیت علمی در تقوا و زهد و قدس و ورع و ارتباط و توسل به خاندان وحی و رسالت و خصوصا ایشان، نادره زمان بوده و در این قرون اخیر کمتر کسی به رتبه اش رسیده است.

شاید هنوز زوایای نقش حاج شیخ عبدالکریم حائری و اثرگذاری اخلاقی و علمی آن مرحوم در تأسیس حوزه علمیه قم، چندان شناخته نشده باشد، در تربیت طلاب، در رواج علم و معنویت، جلوگیری از نابسامانی‌ها و . . .

علمای ثلاث که آیت الله حجت، آیت الله صدر و نیز آیت الله خوانساری همچنان از دستاوردهای آیت الله حائری پاسداری کردند. امام خمینی (ره) از شاگردان موفق و ممتاز حوزه علمیه قم، نمونه و ثمره ای از تلاشهای آیت الله شیخ عبدالکریم حائری به شمار می رود. مواضع امام (ره) در قضایایی چون تغییر لباس روحانیون، نشان از عمق اندیشه سیاسی ایشان دارد. ویژگیهای رفتار سیاسی - فرهنگی امام خمینی (ره) را می‌توان در پیروی از سیره آیت الله حائری و به کارگیری عرفان فردی و اجتماعی آیت الله شاه آبادی خلاصه کرد. دستاوردهای آموزشی و تشکیلاتی آیت الله حائری یزدی که آیت الله بروجردی آنها را توسعه و

تحکیم داد قم را در درجه ی اول به پایگاه آموزشی اسلامی و سپس مرکز مبارزه جویی اسلامی تبدیل نمود. بدین ترتیب، قم گرایشهای غیر دینی سلسله ی پهلوی را به مبارزه طلبید.

## منابع

- آقابابا، علی (۱۳۷۸) مروری بر حضور و نقش آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در شهر اراک، فصلنامه راه دانش، تحقیقات فرهنگی هنری استان مرکزی، ش مسلسل ۹، ش ۱۷۱۸، ص ۲۳۹۲۷۹.
- استادی، رضا (۱۳۷۵) شرح احوال حضرت آیت الله العظمی اراکی، اراک: انتشارات انجمن علمی فرهنگی هنری استان مرکزی .
- امینی، داود (۱۳۷۴) مروری بر زندگی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزه علمیه قم به روایت اسناد، فصلنامه گنجینه اسناد، سال پنجم، دفتر سوم و چهارم، ش ۱۹ و ۲۰ .
- بصیرت منش، حمید (۱۳۷۶) علما و رژیم رضا شاه ( نظری به عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ ش )، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج .
- توکلی محمدی، مرتضی؛ مطهری فرد، مرتضی و صدیقه لکزایی (۱۳۹۴) اندیشه ی سیاسی شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مجله سیاست متعالیه، سال سوم، شماره یازدهم .
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۲) تشیع و مشروطیت در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حائری، عبدالحسین (۱۳۸۳) مصاحبه با استاد عبدالحسین حائری، مجله حوزه، سال ۲۱، ش ۵ .
- زهره کاشانی، علی اکبر (۱۳۹۶) تاریخ ۱۲۰۰ ساله حوزه علمیه قم ( با رویکرد آموزشی و پژوهشی )، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه .
- شیرخانی، علی و عباس زارع (۱۳۸۴) تحولات حوزه ی علمیه ی قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

صدرایی خوبی، علی (۱۳۸۴) آیت الله اراکی : یک قرن وارستگی، با همکاری ابوالفضل حافظیان، تهران :  
موسسه انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل .

عباس زاده، سعید(۱۳۷۷) شیخ عبدالکریم حائری، نگرهبان بیدار، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات  
اسلامی.

فاکر مبینی، محمد (۱۳۸۲) فرزنانگان مبینی، بی جا : انتشارات قدس .

فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۳) روحانیت و تجدد با تاکید بر جریانهای فکری سیاسی حوزه علمیه قم، ویراستار عباس  
جباری مقدم، قم :دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ  
اسلامی.

فیاضی: عمادالدین(۱۳۷۸)حاج شیخ عبدالکریم حائری موسس حوزه علمیه قم، تهران: مرکز اسناد انقلاب  
اسلامی .

محمدی اشتهاردی، محمد(۱۳۷۹) خورشید حوزه‌های علمیه: آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره)، نشر امام  
عصر (عج)،

محمدی، ذکرائه(۱۳۸۰) نقش آیت الله شیخ عبدالکریم حائری در تحولات سیاسی اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۰۰  
هـ ش)، پایان نامه، استاد راهنما: نجف لک زایی ؛ استاد مشاور: حسن حضرتی، دانشگاه باقرالعلوم .

منظورالاجداد، سید محمد حسین(۱۳۷۹) مرجعیت در عرصه جتماع و سیاست : اسناد و گزارش هایی از آیات  
عظام نائینی، اصفهانی، قمی، حائری و بروجردی، ۱۲۹۲ تا ۱۳۳۹ شمسی، تهران: انتشارات شیراز .

مددی، سهل علی(۱۳۸۰) نقش تاریخی آیت الله حائری یزدی به روایت استاد عبدالحسین حائری، کتاب حدیث  
عشق، نکته ها، گفتگوها و مقالات استاد عبدالحسین حائری، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس  
شورای اسلامی .

مرادی نیا، محمد جواد (۱۳۹۶) تاریخ استان مرکزی، تهران : نشر ثالث .

مرادی نیا، محمد جواد (۱۳۷۴) خاطرات آیت الله پسندیده، تهران : نشر حدیث.

نیکو برش، فرزانه (۱۳۸۱) بررسی عملکرد سیاسی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل .

نعیمی، داوود (۱۳۸۵) سلطان سلوک، شرح احوال، خاطرات و آثار، آخوند ملا فتحعلی سلطان آبادی، قم: نشر کومه.

نیکبخت، رحیم (۱۳۹۰) زندگینامه آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به روایت محمدعلی صفوت تبریزی، مجله پیام بهارستان، د ۲، س ۴، ش ۱۴ .

نظریور، حامد (۱۳۸۵) ضرورت وحدت امت اسلام در نگاه آیت الله شیخ عبدالکریم حائری، فصلنامه فروغ وحدت، فصلنامه آموزشی پژوهشی دانشگاه مذاهب اسلامی، شال دوم، ش ۶ .

نوری همدانی، حسین (۱۳۸۴) اسلام مجسم علماء بزرگ اسلام، قم: انتشارات مهمدی موعود (عج)، ج ۱ .

وجدانی، مصطفی (۱۳۶۸) سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی (ره) به روایت جمعی از فضلا، تهران: نشر پیام آزادی، ج ۵ .

ورعی، سید جواد (۱۳۸۳) خاطراتی از آیت الله حائری، موسس حوزه، یادنامه حضرت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، قم: نشر بوستان کتاب .

یوسفی، محمد (۱۳۸۸) پرواز در ملکوت، حالات عرفانی منتظران امام زمان (عج)، زنگینامه، کرامات، تشرفات سیر و سلوک، قم: انتشارات خورشید آل یاسین.